

حریم خصوصی از منظر امام خمینی(ره) و حقوق اساسی ایران

با نگاه تطبیقی بر تبرج زنان

منصور شنان نزاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۷

تاریخ داوری: ۱۴۰۳/۵/۸

چکیده

زیبایی در نهاد و سرشت انسان است و از این رو آرایش و زینت همیشه مورد توجه انسان بوده و هست؛ قرآن کریم نیز در دو سوره‌ی احزاب و نور به مسئله‌ی تبرج اشاره‌ی مستقیم دارد؛ تبرج در دایره‌ی حریم و حق ذاتی هر انسان قرار می‌گیرد؛ این حق با وسایل و روش‌های گوناگونی مانند: البسه، عطرها، آرایش موهای سر و صورت و غیره انجام می‌شود. در حقیقت حق حریم خصوصی، حیطة افعال هر فردی است که چه بسا رغبتی به برملا شدن آن نداشته باشد. لکن باید دانست که هرچند تبرج حق انسان است اما تمام حقوق و آزادی‌های اشخاص مطلق و رها نیست و در واقع قانون یا عرف که حریم خصوصی را تأیید می‌کند همان نیز آن را محدود و مشروط می‌داند. برخی اصرار بر فردی بودن پوشش دارند و آن را موضوعی خارج از دایره حکومت و مردم جامعه می‌دانند؛ ولی این ادعا به دلایلی مردود است؛ زیرا از طرفی جدا کردن قلمرو خصوصی از عمومی در مصادیقی مقدور نیست و از طرفی دیگر اثربخش بودن پوشش بر سلامت روانی جامعه و برخورد انتقادی با حجاب در مقررات ممالک غربی و حتی اسلامی غرب زده، این موضوع را مسئله‌ای اجتماعی و عمومی می‌نمایاند. تحلیل نظر امام خمینی، مفسرین و حتی برخی حقوق دانان بیانگر آن است که قلمرو تبرج زنان وسیع‌تر از اظهار زینت و آرایش در پوشش است و به طور کلی هر نوع جلوه‌گری زنان که زمینه‌ساز ارتکاب گناه بشود تبرج به شمار می‌آید

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، تبرج، امام خمینی(رحمه الله)، حجاب، قرآن کریم، قانون اساسی.



مقدمه

واژه تبرج در قرآن به معنای جلوه‌گری زن و تظاهر به زیبایی‌های خود در مرئی و منظر عامه مردم است. معنای اصطلاحی تبرج از آیه ۳۳ سوره احزاب که خطاب به همسران پیامبر ﷺ است، برداشت شده است. مفسرین، حکم مزبور در آیه شریفه را شامل جمعیت زنان می‌دانند. با توجه به ظواهر قرآنی و روایی، از طرفی تبرج محدود به زنان نیست و از طرفی دیگر منحصر به پوشش ظاهری نبوده و شامل رفتار و کردار غیرعقیف زن (خلاف وقار و متانت) هم می‌شود؛ در نتیجه احتراز از تبرج معنایی اعم از حفظ پوشش دارد. باید اضافه کرد که نه حجاب، نافی تبرج شرعی و مؤکد (تبرج زن برای همسرش) است و نه اجتناب زن از تبرج، سبب بی‌نیازی وی از حجاب و پوشش است. در ادامه به دو آیه از آیات قرآن کریم که تبرج را تبیین کرده است، اشاره می‌کنیم:

الف) سوره‌ی احزاب آیه ۳۳ می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» ودرخانه‌هایتان بنشینید و مانند دوره‌ی جاهلیت پیشین با آرایش بیرون نیاید. به نظر می‌آید که مقصود از تبرج در آیه شریفه، نداشتن نیت جذب قلب و جان نامحرم است؛ از این رو هر نوع جلوه‌گری که مقتضی نفوذ زن در دل نامحرم شود، طبق آیه‌ی شریفه منتهی‌عنه است. (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۲۴۲)

ب) سوره‌ی نور آیه ۶۰ می‌فرماید: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» و زنان کههنسال که بازنشسته‌اند و توقع نکاح ندارند، بر آنان باکی نیست که جامه‌های خود (مانند: چادر و روپوش) را نزد نامحرم بگیرند و بازهم عفت (و بر نداشتن رخت) برای آنان بهتر است و خدا شنوا و (به باطن آنها) آگاه است.

پرواضح است که به حکم فقره «غیرمتبرجات» تخفیف شرعی پوشش برای پیرزنان مشروط به عدم قصد تبرج است. هم‌چنین باید دانست که آیه شریفه تبرج را مختص به زنان ندانسته است؛ بنابراین در صورت وقوع آرایش غیر حلال از مردان، گناه و جرم آنها کمتر از تبرج غیر شرعی زنان نیست، گرچه زنان به دلیل زیبایی فطری بیشتر در معرض آن هستند و بدین

جهت وظیفه آنان در حفظ عفت و امنیت روانی جامعه افزون تر و سنگین تر است.

۱. قاعده

از فنون برجسته‌ی قرآن کریم شیوه‌ی اعجاز گونه قرآن در استعمال الفاظ لسان عربی است؛ به گونه‌ای که قرآن کریم بهترین واژه‌ها را جهت ایصال کاملترین معنای مراد برگزیده و قرن‌های متمادی علمای ادبیات عرب را مسحور خویش کرده است. در بحث حاضر طرح هر یک از عناوین ذکر شده نیازمند تحقیق و تدقیق جداگانه‌ای است؛ لکن به جهت روشن شدن مفهوم حریم و همچنین تعیین مفاد و مدلول تبرج، معنای لغوی و اصطلاحی آن دورا مورد تتبع قرار دادیم، که به بیان ذیل است:

۱-۱- تعریف لغوی حریم

واژه‌هایی مانند: حرم، محرم، حرمت، حرام، إجماع و حریم از یک بُن و ریشه اند و با هم علقه معنایی دارند و همگی از ماده‌ی (ح رم) مشتق شده اند. اهل لغت بر معنای حرمت منع صاحب حریم از تصرف در آن یا حرمت تصرف دیگران در آن بدون اذن دارنده، تاکید دارند. (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۸۹۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۲۵) طریحی نیز در کتاب خود به این معنا تمایل دارد. (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۶، ص ۳۹)

۲-۱- تعریف اصطلاحی حریم

معنای اصطلاحی حریم با معنای لغوی آن تناسب دارد؛ فقها حریم را این‌گونه معنا کرده‌اند: «إِنَّ حَرِيمَ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّمَا هُوَ مَقْدَرٌ مَا يَتَوَقَّفُ عَلَيْهِ الْإِنْتِفَاعُ بِهِ» حریم هر چیزی، مقداری است که برای انتفاع از آن چیز ضرورت دارد. (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۳۸، ص ۳۴)

۳-۱- تعریف لغوی تبرج

واژه تبرج مصدر باب تَفَعَّلُ از ریشه‌ی (ب رج) است. ابن فارس برای این ماده معنای ظهور را قائل شده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۳۸) لکن برخی از اهل لغت تبرج را به معنای

خودنمایی و جلوه‌گری زن در مقابل دیدگان نامحرم تعریف کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۲؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۴)

۴-۱ تعریف اصطلاحی تبرج

در نظرات فقیهان و مفسران تعاریف متنوعی از تبرج اصطلاحی دیده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تبرج، آشکار کردن جمال و محاسن برای نامحرم است. (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۲۳۰؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۸، ص ۲۳۸)
۲. تبرج، هویدا بودن زیبایی‌های تصنعی و ظرافت‌های ذاتی زنانه است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۰۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۲۳۵)
۳. برخی گفته‌اند: خروج زن از خانه با پوششی ناتمام و نیمه‌عریان به گونه‌ای که جلب نظر دیگران کند، تبرج است. (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ص ۴۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۲۸۷)
۴. جمعی تبرج زنان را به ناز خرامیدن (تبختر) (ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ص ۲۳۰) و کرشمه کردن (تغنج) به گونه‌ای که موجب تحریک و تهییج شهوت مرد گردد (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۳۵) و یا چشمک زدن یا اشاره با ابرو (غمز و لَمَز) (ابن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۵) تعریف نموده‌اند. برخی دیگر از مفسرین با استناد به آیات قرآن کریم، تبرج را به شیوه‌ی راه رفتن (سوره نور، آیه ۳۱) یا سخن گفتن که همراه با عشوه‌گری و نازک کردن صدا باشد، می‌دانند. (سوره احزاب، آیه ۳۲)

۲. تقسیم حریم به عمومی و خصوصی

حریم به حکم عقل، عرف و شرع به عمومی و خصوصی قابل تقسیم است. برای متتبع بسیار روشن است که نگاه فلسفی و حقوقی اسلام به یزه و یزه‌کار با دیگر مذاهب و مشرب‌های دنیا کاملاً متمایز و متباین است. از نظر ایدئولوژی اسلام، انسان مرتبت رفیقی در جهان خلقت دارد. باید دانست که تعیین قلمرو حریم خصوصی از حیطة عمومی به بسیاری از مسائل فرهنگی،

اقتصادی و حتی سیاسی وابسته است و با تغییر این امور محدوده حریم خصوصی و عمومی نیز دچار تحول و دگرگونی می شود. در ادامه به تعریف حریم عمومی و خصوصی اشاره می کنیم:

۱-۲ حریم عمومی

حریم عمومی، حوزه‌ای است که در آن مسئله پنهانی نبوده و چاره اندیشی و سیاست گذاری در آن حق همه شهروندان است. این حوزه محدوده‌ی سلطه‌ی دولت و ملک مشترک همه شهروندان است که با پیمان و میثاق اجتماعی به وجود می آید.

۲-۲ حریم خصوصی

حریم خصوصی، حیطة‌ی افعال و ویژگی‌های هر فرد بوده و به همان فرد اختصاص دارد. اول بار در سال ۱۸۹۰ م مجله هاروارد، حریم خصوصی را تحت عنوان (حق تمتع از خلوت) مطرح و سپس در اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ م. رسمیت پیدا کرد. کارل هوسمن می گوید: به شیوه جای گرفتن پرندگان بر روی سیم‌های تلگراف دقت کنید، با آن که پرندگان توانسته‌اند موضوع حریم خصوصی را در میان خود حل کنند، ما انسان‌ها تنها در آغاز راه حل این مشکل قرار داریم.

۳. حریم خصوصی از دیدگاه امام خمینی

بعد از به ثمر رسیدن انقلاب ملت ایران و به دنبال درگیری‌های مسلحانه سال‌های ۶۰ و ۶۱ که مردم شاهد افراط‌گرایی بودند، امام خمینی در فرمانی تاریخی هشت ماده‌ای به جهت حفظ شأن انسان‌ها و احترام به حریم خصوصی آنها و جلوگیری از تندروی‌ها، دستورات مهمی صادر کردند که در قانونمند کردن عملکرد نهادهای انقلابی و کارگزاران دولتی و اجرایی و قضائی بسیار مؤثر بود. از دیدگاه امام حریم خصوصی هر فردی در حیطة بیان عقیده و تعیین مکان توطن و اشتغال و به طور کلی در جمیع افعال حلال، حریت و آزادی عمل دارد.



۱-۳ منش امام خمینی در رعایت حق حریم خصوصی مردم

خط مشی امام خمینی در تمامی زمینه‌ها همواره با رعایت موازین و ضوابط اسلامی بوده است. حفاظت و صیانت ایشان از حق حریم خصوصی مردم نه فقط در مقابل افراد نااهل بلکه در برابر مسئولین لائالی و تندرو هم کاملاً مشهود و عیان بود. در منش و سیره امام، حق داشتن حریم خصوصی یک آرمان و یک ارزش اساسی می‌باشد که در مقوله حریت و آزادی که موهبت و عطیه‌ای الهی است، قرار می‌گیرد.

در واقع اعلامیه جهانی سازمان حقوق بشر در سال ۱۹۸۴ که در صیانت از حریم خصوصی منتشر شد، مؤید یک حق فطری و خدادادی بود که به دلیل گسترش روزافزون جرم و جنایت علیه زنان و کودکان و خانواده‌ها، متأسفانه بیشتر به مانند نقش بر روی کاغذ ماند و کمتر به مرحله عمل و اجرا رسید. امام خمینی بر خلاف این مدعیان حقوق بشر، حریص‌ترین فرد در دفاع از حریم خصوصی مردم جامعه بودند. امام یکی از دلایل عدم اقبال ملت به رژیم پهلوی را تضييع آزادی‌های مردم می‌دانست. مرکز ثقل اندیشه امام سعادت انسان بود و سعادت را در اجرای قوانین اسلامی که هم شادکامی دنیوی و هم تنعم را در برداشت، می‌دانستند؛ لذا می‌فرمود: «در جمهوری اسلامی ستم نیست. در جمهوری اسلامی آزادی است، استقلال است. آن چیزهایی که در طاغوت بود در جمهوری اسلامی نیست.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵ ص ۲۷۹) امام صیانت از آزادی‌های مردم را وظیفه‌ی قطعی حکومت اسلامی می‌دانست. ایشان در دیدار با کارگزاران دولتی در سال ۱۳۶۱ توصیه می‌کنند که «دولت اسلامی باید مردم را در سرمایه‌هایشان، در کسب شان و ... مطمئن کند. کسی که مردم را اذیت کند، تأدیب می‌شود.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۱۸)

۲-۳ حوزه‌های حریم خصوصی از منظر امام خمینی

از منظر امام آبروی مؤمن بالاترین مقام را داشته و هتک آن از گناهان کبیره است. (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۰۳) از نظر ایشان حریم خصوصی افراد در برگیرنده‌ی حوزه‌های ذیل الذکر است:

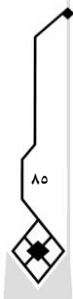
۱) آزادی در نطق و قلم: «در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی بیان برخوردار خواهد بود.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۷۸). آزادی در اظهار عقیده: «در حکومت اسلامی همه‌ی افراد در هر عقیده‌ای آزاد هستند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۱۰۰). آزادی در محل سکونت و اشتغال. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۱۰۶) از منظر فقهی امام حق حریم خصوصی از اصول و احکام مختلف اسلامی قابل فهم است، از جمله: لزوم اجازه گرفتن قبل از ورود به منزل غیر، ممنوعیت استراق سمع، حرمت تجسس و سوء ظن، عدم جواز اشاعه فحشا و نظایر آن که به نوعی بر آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند.

همچنین اکثر روایات دال بر حکم ستر با قالبی تربیتی و ارشادی بر رعایت این حق تاکید دارند. ضمن اینکه قاعده فقهی «لاضرر» نیز به گونه‌ای به براین معنا دلالت دارد. اضافه می‌شود که در این باب، عقل نیز حجت و قابل استناد است. (ربانی گلیپگانی، ۱۳۹۹، ص ۳۵۰) از نگاه عقل و منطق حریم خصوصی محترم است زیرا که نقض حریم خصوصی عقلاً قبیح است و از طرفی شرع به این قُبْح عقلی اذعان دارد در نتیجه طبق قاعده ملازمه (كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ، حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ) رعایت حریم خصوصی عقلاً و شرعاً لازم است. به عقیده‌ی امامیه حسن و قبح افعال از جمله‌ی امور عقلی است. (حلی، بی تا، ص ۲۳۵)

۴. حریم خصوصی از منظر حقوق اساسی ایران اسلامی

جالب است که بدانیم احکام و مقررات خداوند متعال بسیار قبل از رژیم‌های حقوقی برای حریم خصوصی انسان ارزش قائل بوده و برای حفظ آن از تعدی، قوانینی را امر فرموده است. در اسلام و حقوق اساسی ایران - که قطعاً از قوانین شریعت اسلامی الهام گرفته است - حق را برای هر فردی یک امر فطری و محترم می‌داند. گرچه حریم خصوصی و یا تبرج، حق قطعی است؛ لکن همانطور که قبلاً بیان شد حقوق در هیچ کشوری کاملاً رها و بی‌قید نیستند؛ بنابراین در قوانین جمهوری اسلامی نیز در ماده ۴ قانون، نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آنها در ملاء عام خلاف شرع است، مصوب ۱۳۶۵ آمده است: «کسانی

۱. ستر= ستر؛ در لغت به معنای پنهان کردن و پوشاندن چیزی آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۴۴)



که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و محاکمه شده و حسب مورد به یکی از کیفرهای مذکور در ماده ۲ (تذکر و ارشاد یا توبیخ و سرزنش و ...) محکوم می شوند.»

این شیوه ورود قانون را نباید دست اندازی به حقوق مدنی شهروندان دانست؛ بلکه دفاع از ساحت عفت عمومی و ارزش های حاکم بر جامعه دینی است. و ایضاً تصویب قانون حیثیت، جان، مسکن در اصل ۲۲، عقاید در اصل ۲۳ و یا قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب در سال ۱۳۸۳ همگی در راستای تلاش قانون گذار در شناسایی حق حریم خصوصی شهروندان می باشد.

۵. بررسی دیدگاه های نظری

در تاریخ معاصر ما کشف حجاب توسط رضا پهلوی در تاریخ ۱۳۱۴ نمونه ای عیان از تعدی به حریم پوشش اشخاص بود که با مقاومت مردم و مخالفت روحانیون و سقوط دولت رضا شاه به نتیجه نرسید. اکنون این شبهه مطرح است که آیا تبرج و پوشش مرتبط به حریم خصوصی است یا به حوزه عموم جامعه راجع است؟ بعضی با اصرار بر شخصی بودن حجاب آن را بحثی راجع به حریم خصوصی می دانند که ذاتاً از دایره حکومت و مردم جامعه خارج است این مدعا بر پایه دلایلی مانند اینکه حجاب جهت حفظ عزت و احترام زن و همچنین حفظ او از نگاه ناپاک دیگران تشریح شده و در نتیجه منفعتی شخصی دارد، بنا شده است.

در جواب باید گفت که: اولاً؛ حجاب برای عموم جوامع حتی غیرمسلمان مصلحت و منفعت دارد؛ زیرا رعایت پوشش مناسب زن در جامعه موجب آسایش روانی انسان ها و تحکیم روابط عاطفی در زندگی خانوادگی و در نتیجه استحکام و ایمنی جامعه از سلطه شهوات می شود و در مقابل نبود پوشش شایسته برای زن کاملاً در تضاد با فوائد فوق الذکر خواهد بود. ثانیاً؛ عزت و احترام در شیوه رفتار و کردار انسان با دیگران محقق می شود و امری است که به گُنش و واکنش های افراد بستگی دارد و حجاب به عنوان یک هنجار اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست. ثالثاً؛ شیوه برخورد دیگران با پوشش منحصر به سوژه بدحجاب نیست؛ بلکه بدحجابی

یک فرد جرأت گستاخی و جسارت به دیگر زنان را از سوی افراد بی بند و بار مهیا می کند؛ پس می توان گفت: حجاب یک واقعیت دینی است که تابع خاص و علاقه افراد نبوده و همواره باید خیر و صلاح آنها بر دیگر امور مقدم دانست و جامعه را با این واقعیت آشنا و به آن ترغیب کرد.

۱-۵ نگاه قرآن به حریم و حجاب

پرواضح است که رعایت حجاب شرعی مصلحت جمعی برای جامعه دارد؛ زیرا باعث تحقق آرامش روانی شهروندان جامعه و تحکیم رابطه خانواده ها و حفظ آن از سلطه غرایز جنسی می شود و فقدان حجاب شرعی نقطه مقابل آثار فوق است. در موضوع وجوب حجاب قرآن کریم در سوره نور می فرماید: و به زنان مؤمن بگو چشمهای خود را (از نگاه شهوت آمیز) فرو گیرند و دامان خویش را مستور کنند و زینت خود را نمایان ننمایند و روسری های خود را بر سینه بگسترند و زینت خود را ظاهر نسازند... و هنگام راه رفتن پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینت پنهانی شان دانسته شود. (نور: ۲۹-۳۱)

از نگاه استاد شهید مطهری این آیه حاوی دو مطلب مهم است: وجوب ستر عورت (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۲۴۳) و لزوم آشکار نساختن آرایش و زیور (جز به محارم خود). (مطهری، همان، ص ۲۲۲) به طور قطع اگر تبرج بدون حجاب همراه شود منجر به اشاعه فحشا می شود؛ قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» آنان که دوست دارند که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود. (نور: ۱۹) لذا قرآن کریم تکلیف سنگین حجاب را بر دوش زنان نهاده و اوامری در این باب در سوره احزاب خطاب به زنان مطرح فرموده که به بیان ذیل است:

الف) آیه ۳۲ «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» ای همسران پیامبر! شما هم چون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوی پیشه کنید پس به گونه ای شهوت انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما مطمع کنند، و سخن شایسته بگوئید و در خانه های

خود بمانید و هم چون دوران جاهلیت نخستین آرایش و زینت نکنید.

ب) آیه ۵۳ «و إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ... يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» و هنگامی که چیزی را از آنان (ازواج پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است... ای پیامبر به همسران و دختران و زنان مؤمن بگو جلباب‌ها (روسری‌های بلند) را بر خود پهن کنند این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است که خداوند همواره آمرزنده بسیار مهربان است. قرآن کریم حریم و حجاب را دو روی یک سکه می‌داند نه در تناقض هم؛ زیرا حریم وقتی معنای درست خود را پیدا می‌کند که حریم دیگر افراد جامعه هم رعایت شود این نگاه عقلایی قرآن کریم همواره مورد استقبال بشر و خصوصاً انسان مدرنیته نبوده و حتی گاهی مورد حمله و دشمنی قرار می‌گیرد؛ برخورد خشونت آمیز با نوع پوشش انسان‌ها خصوصاً در مورد زنان در برخی کشورها همچون فرانسه یکی از این موارد است که مع‌الأسف به قوانین جنجال برانگیزی نیز ختم شده است. اگر حجاب منحصرأً یک امر فردی است، پس به کدامین دلیل دولت‌ها در آن دخالت دارند؟! به گونه‌ای که این موضوع به قانون در فرانسه تبدیل و در آن مقرر می‌شود که: با توجه به اصل لائیسیتته (دخالت نکردن دین در امور دولتی) داشتن نشانه یا پوششی که بیانگر تعلق دینی شخص باشند در مدرسه‌ها، کالج‌ها و دبیرستان‌های دولتی ممنوع است. (قانون شماره ۲۲/۲۰۰۴، ۱۵ مارس ۲۰۰۴)

۵-۲ تبرج و حجاب در نگاه فقهی امام (رحمه الله)

امام در جایگاه فقهی متأله با تقید راسخ به اسلام ناب محمدی ﷺ مسائل را تحلیل می‌کند؛ ایشان با استناد به آیات ۳۰ تا ۳۱ و ۵۹ تا ۶۱ از سوره نور و آیات ۵۳ تا ۱۳۳ و ۵۹ تا ۶۰ از سوره احزاب تبرج غیر حلال را نکوهش و حجاب را برای زنان واجب می‌دانند. گرچه بر اساس فتوای امام و اکثر مراجع عظام تقلید گردی صورت (آن مقدار که در وضو شسته می‌شود) و دست‌ها از سرانگشت‌ها تا مچ از وجوب پوشش استثنا شده است؛ لکن آن دو قسمت را با شرط

عدم وجود مفسده و نداشتن زینت و آرایش استثنا کرده‌اند. امام در جواب استفتائی، حدود حجاب و تبرج برای زنان را این‌گونه بیان می‌فرماید: سطر تمام بدن غیر از وجه و کفین واجب بوده و اگر لوازم آرایشی و معطر کردن موجب فتنه و مفسده می‌شود، باید پرهیز نماید؛ بلکه بَرک کردن خود مطلقاً جایز نیست. (موسوی خمینی، ۱۳۹۵، ج ۸، ص ۵۳۹، س ۱۰۰۱۷) امام لباس شهرت را مردود و شرایط زیر را در لباس بیرونی الزامی می‌دانند:

(۱) بدن را به مقدار کامل بیوشاند. (۲) خیلی نازک نبوده و بدن نما نباشد. (۳) از نظر حجم طوری باشد که برجستگی‌ها و برآمدگی‌های بدن را بیوشاند. (۴) مَرُوج فرهنگ ابتذال و یا فرهنگ دشمنان نباشد. امام در دیدار با بانوان می‌فرماید: حجاب با آزادی منافاتی ندارد. در اسلام زن باید حجاب داشته باشد؛ ولی لازم نیست که چادر باشد؛ بلکه می‌تواند هر لباسی را که حجابش را حفظ کند اختیار کند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۵۴۱ و ۲۹۴) ما جلوی زنان جوانانی را که وقتی آرایش می‌کنند یک فوج را به دنبال خود می‌کشاند، می‌گیریم. (موسوی خمینی، همان، ج ۱۰، ص ۱۰۳)

حجاب برای حفظ ارزش‌های زن است تا به دست وسوسه‌های شیطنی و فاسد استعمار پایمال نشود. (موسوی خمینی، همان، ج ۱۹، ص ۱۸۵) در پایان می‌توان نتیجه گرفت که طبق بیانات و فتاوی‌ای امام به طور کلی هر نوع جلوه‌گری برای نامحرم مصداق تبرج بوده و جایز نیست؛ گرچه زن ضمن وفاداری تام به اصول دینی و در چهارچوب احکام شرعی می‌تواند در تمام امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی مشارکت فعال داشته باشد؛ زیرا این حضور او به طور قطع با حفظ حجابش منافاتی ندارد.

۵-۳ دیدگاه روایات در باب تبرج و حجاب

اسلام ناب محمدی ﷺ دین مدارا، منطق و اعتدال است؛ لذا از طرفی پیامبر اکرم ﷺ به زنان متأهل دستور به رنگ کردن موها و به زنان غیر متأهل، سفارش به حنا بستن دست‌ها را می‌دادند و از طرفی دیگر آیات قرآن که همگی شأن و فلسفه نزول دارند، تبرج بی قید و شرط را به دلیل تحمیل خسارت‌های گران بر اجتماع و اقتصاد مسلمین با نزول آیه «ولا تبرجن تبرج

الجاهلیه الاولى» (احزاب: ۳۳) نفی می فرمایند. اسلام، دینی است که پیامبرش به هنگام فراهم کردن جهیزیه دخترش، عطر را از جمله متاع‌ها قرار می دهد؛ اما به مقوله آسیب های اجتماعی خودآرایی نیز توجه کرده و موارد سلبی آن را نیز گوشزد می فرماید. در کتاب های فقهی در ابوابی مانند: نماز، نکاح، حج و مواردی مثل: تدلیس ماشطه از تبرج بانوان سخن به میان آمده است. (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۱۷۵ و ۳۷۳) همچنین هر نوع فعلی که وجه زن را زیبا و جذاب نشان دهد از جمله: خالکوبی کردن، خوشبوکردن خود، سرمه کشیدن، خضاب کردن ابروها، کلاه گیس گذاشتن و غیره به عنوان زینت تعبیر شده است. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۷)

نکته قابل توجه این است که برخی از فقها زینت بودن هر امری مانند رنگ لباس را به عرف مشروط می دانند (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۲، ص ۲۸۰) و برخی دیگر زینت بودن چیزی را به حسب افراد، زمان و مکان زندگی آنان متغیر و مختلف می دانند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۳۰ق، ج ۶ ص ۹۸) همچنین به عقیده برخی فقهای معاصر نیز در زینت بودن مسائلی همچون تاتو کردن ابرو باید به عرف مردم رجوع کنیم. (لباس شهرت و احکام پوشش) لکن این پرسش قابل طرح است که با توجه به زیبایی های طبیعی و خدادادی زن، مکشوف بودن کدام عضو از بدن آن تبرج به شمار می آید؟ اغلب فقها می فرمایند: با توجه به اینکه همه جسم زن از محاسن خدادادی اوست، بنابراین پوشاندن همه بدن به جز صورت و کفین واجب شرعی است. (عراقی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۴۹؛ بروجردی، ۱۴۲۶ق، ص ۱۲۳) باید توجه داشت که دین به شرطی که صورت و کفین عاری از هرگونه آراستگی باشند، جواز کشف داده است. استاد شهید در این باره می نگارد: مستثنی شدن صورت و کفین از حکم وجوب ستر به دلیل نبود ملاک عدم تبرج در آن دو نیست؛ بلکه به خاطر آن است که به وجوب پوشش آن دو موجب عسر و حرج برای زن و سلب امکان فعالیت او می شود و الا زیبایی و دل فریب بودن آن دو کمتر از بقیه اعضای بدن زن نیست. (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۹۸)



۴-۵ اقسام تبرج در اسلام

(۱) واجب: فقهای اثنی عشری آراستگی و تبرج زن برای همسرش را به دلیل وجوب ادای حق شرعی شوهر و وجوب اطاعت زن در مسئله تمکین واجب می‌دانند. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۳۲۸؛ فلاح، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱) ۲) مستحب: به فتوای فقهای امامیه در صورت عدم طلب شوهر و حتی در وقت عدّه‌ی طلاق رجعی، تبرج زن برای شوهرش مستحب است. (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۰۳) ۳) تبرج حرام: به عقیده‌ی فقها آرایش زن در موارد زیر ذیل الذکر جایز نیست: یک: در زمان عدّه‌ی وفات همسرش. (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۲۲، ص ۲۷۶) دو: در حال احرام. (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۱۸، ص ۳۷۳) سه: برای جلب توجه نامحرم. (مفید، احکام النساء ۱۴۱۳، ص ۵۷) چهار: تدلیس. (زینتی که هدف از آن فریب خواستگار باشد) در این میان تبرج ملایم نیز مورد استفتاء قرار گرفته است که به برخی از فتواها در ذیل اشاره می‌شود: یک: زینت صورت و دست‌ها تا میچ اگر بسیار ملایم باشد و باعث مفسده‌ای نشود جایز است. (حکم آرایش زن در مقابل نامحرم پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله العظمی مکارم شیرازی) دو: اگر زینت ملایم از نظر عرف تبرج محسوب شود، پوشاندن آن از نامحرم واجب است. (آرایش ملایم با حفظ حجاب پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری) سه: در صورتی که آرایش خفیف سبب تحریک نامحرم شود، جایز نیست. (روحانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲) چهار: پوشاندن زینت و آرایش از نگاه نامحرم گرچه ساده و خفیف باشد واجب است. (خوئی، ۱۳۹۱، ص ۴۳۹)

۴-۵-۱ روایات در نفی تبرج برای غیر بعل

همانطور که بیان شد در تعالیم اسلامی ما گرایش فطری زن‌ها به تبرج محترم شمرده شده و حتی در روایات معصومین بر تبرج مشروع تأکید فراوان نیز شده است؛ ولی همان تعالیم و روایات، زن را از خودآرایی برای غیر بعل خود منع کرده‌اند. در ادامه به چند روایت مرتبط با موضوع اشاره می‌کنیم: الف) فضیل در صحیح‌ه‌ی خود می‌گوید: سألت أبا عبد الله عليه السلام «عن الذّراعين من المرأه هل هما من الزّينه التي قال الله: ولا يُبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ؟ قال: نعم» از حضرت صادق پرسیدم آیا دو دست (ساعد) زن از جمله زینت است که خداوند فرمود: و زینت



خود را آشکار نسازید مگر برای شوهرانتان؟ فرمود: بله. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۴۵)

ب) حضرت صادق علیه السلام از نبی مکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند: «أَيُّ امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ وَخَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا فَهِيَ تُلَعْنُ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا مَتَى مَا رَجَعَتْ» هر زنی که بوی خوش استعمال کند و از منزلش خارج شود مورد لعنت قرار می‌گیرد تا وقتی که به منزلش برگردد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۱۴)

ج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از روایتی می‌فرماید: «إِنَّ مِنْ خَيْرِ نَسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةُ مِنْ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَنْ غَيْرِهِ» بهترین زنان شما زنی است که برای شوهرش آرایش و خودنمایی کند ولی خود را از نامحرمان بپوشاند. (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵)

د) نبی مکرم صلی الله علیه و آله آراستگی و خودآرایی زن برای شوهرش را از حقوق وی برهمسرش برمی‌شمارد و می‌فرماید: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا وَتَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَتَزَيَّنَّ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا» (واجب) است که خود را با خوشبوترین عطرش، عطرآگین کند و زیباترین لباس هایش را بپوشد و خود را به نیکوترین شکل آرایش کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۱۱۲)

۶. تبرج از نظر روانشناختی

از نظر روانشناختی خودآرایی یکی از نیازهای اصیل و فطری زن به شمار می‌آید و باید مورد تکریم و عنایت مرد قرار گیرد تا به دلیل بی‌اعتنایی او به این ضرورت فطری، زبان‌های روحی و ناهنجاری‌هایی که خلاف حیاست^۱ بر زن تحمیل نشود. (معین الاسلام وطیبی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷) گذشته از زیبایی ذاتی زن و با توجه به این که غالباً فکر و روان مرد از طریق حس بینایی‌اش تحریک می‌شود، باید گفت که زن می‌تواند با پوشیدن جامه‌های نامناسب، آرایش صورت و رنگ کردن مو، استفاده از عطرها، کلاه‌گیس و زینت‌های تصنعی دیگر مانند: النگو، پابند، گردنبند و غیره به آرایش بیشتری دست یابد. (بهجت، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۲۰۶؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷، ص ۵۷) از نظر روانشناسان اضافه بر موارد فوق الذکر ترقیق صدا و یا مروده‌ی

۱. حیا در لغت به معنای شرم آمده است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۱۵) برخی، مروده‌ی زن با مرد همراه با حیا را عدم تبرج آن زن می‌دانند. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۶۸۶)



نزدیک زنان با مردان از طریق مکالمه و همنشینی با آنها و یا انجام کارهای ناسازگار با منش زن عفیف یا داشتن حالاتی مانند: تَغُج، غَمَز و تَبخُّر منجر به سلب وثوق جوانان به زن ها شده و تمایل آنها به تشکیل خانواده و ازدواج حلال را از بین می برد؛ پس می توان نتیجه گرفت که مرد با دیدن تبرج زن و یا استشمام بوی خوش و یا شنیدن صدای نازک وی ذهنش گرفتار و شهوتش تهییج شده و آماده ارتکاب اعمال نامشروع خواهد شد. (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۴)

۷. تبرج در منابع حقوق اساسی ایران اسلامی

به حسب ظاهر در قانون اساسی ایران که برگرفته از قرآن کریم و احکام اسلام است به لفظ حریم و یا تبرج زنان تصریح نشده است؛ لکن به صورت ضمنی از حریم خصوصی دفاع کرده است. همچنین واژه ی تبرج را در لسان جرم شناسان و حوزه پزشکی قانونی و حتی روان شناسان هم می توان یافت. به عنوان مثال طبق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی کلیه ی زنانی که در حیطه حاکمیت جمهوری اسلامی قرار دارند موظف به حفظ حجاب شرعی و شئونات اسلامی بوده و عواملی همانند آیین و ملیت نمی تواند تأثیری در این وظیفه داشته باشد. شکی نیست که با تحقق تبرج غیرشرعی به سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه تعدی شده و این جرم در زمره جرایم عمومی قرار گرفته و پیگرد قانونی بزه کار نیازی به طرح شکوائیه از طرف شاکی خصوصی ندارد. اضافه می شود که ماده ی ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد، شخص متجاهر به فعل حرام در مرئی و منظر عموم مجرم است و ۱۰ روز تا ۲ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق مجازات می شود. ظاهراً این ماده مطلقاً تظاهراً به هرگونه فعل حرامی اعم از فضای مجازی و حقیقی را مستلزم تعزیر شرعی^۱ می داند. قابل توجه این است که تبصره ی همین ماده معین می دارد: تردد زنان در انظار و اماکن عمومی بدون پوشش اسلامی مستوجب حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه و یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی می باشد.

۱. تعزیر عقوبتی است که خداوند آن را به جهت بازدارندگی در بین مکلفین مقرر فرموده است. این حکم درجایی که واجبی ترک شود و یا منکری حادث شود و در شرع مقدس برای آن کیفری ثابت نشده است، مقرر می شود. (حلی، ۱۴۰۰، ۲۶)

۸. بررسی حریم خصوصی بودن یا نبودن تبرج

مفهوم حریم خصوصی همواره در بین حقوق دانان محل تلاقی مناقشات و جدلیات حقوقی بوده و تغایر عقیده زیادی را به خود دیده است. در بین فقهای دینی هم اصطلاح حریم خصوصی نیز محل تضارب آراء است و نظر و عقیده واضحی از سوی آنان مطرح نشده است. فی الجمله می دانیم که در روایات دینی ما کلماتی با مدلول حق حریم خصوصی بیان شده است. بنابراین مفروض این است که با تعمق در این گونه نصوص دینی، مفاد صحیح حریم خصوصی را استخراج کرده و آنگاه بر معنای تبرج تطبیق دهیم. دانسته شده که حریم همان محدوده ای است که حراستش واجب و تعدی به آن ممنوع است. از دید فقها حریم، قلمرو شخص متعین بوده و اجتناب از آن برای دیگران لازم است. شاید بتوان گفت که حریم خصوصی حیطةی معینی در حیات روزمره هر انسانی است که به حکم عقل، نقل، عرف و قانون محترم شمرده شده است.

استاد شهید مطهری در این باره می فرماید: اسلام می گوید: نه حبس و نه اختلاط بلکه حریم. سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا ﷺ همین بوده است که زنان از شرکت در مجالس و مجامع منع نمی شده اند ولی همواره اصل حریم رعایت شده است. در مساجد و مجامع حتی در کوچه و معبر زن با مرد مختلط نبوده است. شرکت مختلط زن و مرد در برخی مجامع مانند مشاهد مشرفه که در زمان ما محل ازدحام فوق العاده است برخلاف مرضی شارع مقدس اسلام است. (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۱۹، ص ۵۵۱) در مورد اصطلاح تبرج از نظر حقوقی هم باید گفت که نمایش دادن زیبایی های ذاتی و مصنوعی زنانه به قصد برهم زدن امنیت روانی و اخلاقی جامعه مصداق تبرج بوده و برای آن در قوانین کشور مجازات و تعزیر مقرر شده است؛ اما از دیدگاه فقهی، تبرج، آشکار کردن جمال و محاسن برای نامحرم تبختر تغنج عمز و کمز همگی در مفهوم تبرج نهفته است؛ بنابراین هم در تعریف حریم خصوصی به مرزبندی های عرفی و قانونی دقت شده و هم در لسان روایات معصومین و آراء فقیهان درباره تبرج و شرایط آن قیودی مانند: وجوب یا استحباب تبرج زن برای شوهرش و یا حرمت تبرج زن در عده ی وفات او و یا در حال احرام و یا به قصد تدلیس و یا جذب نامحرم، لحاظ شده است. لذا می توان گفت که تبرج

در حریم خصوصی و با حدود شرعی و قانونی یک حق محسوب می‌شود و کسی اختیار نهدی از این حق را ندارد لکن باید توجه داشت که همین حق شرعی و قانونی منوط به التزام شرعی و قانونی است و فرد حق خروج از اصول شرعی و قانونی را ندارد. با عنایت به شرح فوق الذکر می‌توان عنوان کرد که هیچ فردی حق ندارد هر فعلی را مانند استعمال آرایش غلیظ در اماکن و معابر عمومی مرتکب شود و سپس ادعای داشتن حق حریم بکند؛ زیرا سابقاً بیان شد که از دیدگاه فقهی و حقوقی این امور نوعی تعدی به حقوق دیگر افراد جامعه بوده و با مبانی قانونی و عرفی در تناقض است.

نتایج تحقیق

اگرچه در شرع مقدس اسلام اصطلاحی به عنوان حریم خصوصی به صورت صریح استعمال نشده است؛ لکن در متون دینی ما اوامر و نواهی متعددی از جمله لزوم اجازه گرفتن قبل از ورود به منزل غیر، ممنوعیت استراق سمع، حرمت تجسس و سوءظن، عدم جواز اشاعه فحشا و نظایر آن که به نوعی بر آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند، مطرح شده است. گرچه نبود تعریف واضحی از حریم خصوصی دست متبوع در این حوزه را قدری خالی کرده است؛ لکن فی الجمله می‌توان گفت که هر انسانی در زندگی شخصی خویش به حکم شرع و عقل و قانون دارای محدوده‌ای است که تجسس در آن را نمی‌پذیرد و از آن به حریم خصوصی تعبیر می‌شود. تعریف حقوقی از تبرج با تعبیر فقهی آن تفاوت چندانی ندارد. فقها تبرج حلال (آرایش برای شوهر) را مجاز می‌دانند. و برخی ویژگی‌ها را در تبرج یا زن متبرج که قبلاً بیان شد برمی‌شمارند؛ همچنین از مجموع روایات مرتبط با موضوع حریم استفاده می‌شود که رضایت زن متبرج در ورود نامحرم به فضای خصوصی او (به معنای حرمت شکنی و غمز و لَمَز و امثال این موارد) اعتباری نداشته و حفظ حریم از جسارت دیگران با رعایت تبرج در حیطة‌ی اوامر و نواهی شرعی برزن واجب است؛ زیرا عکس آن موجب گسترش فساد و فحشا می‌شود. با توجه به آنچه پیرامون تطبیق مقوله حریم خصوصی بر تبرج زنان از منظر فقهی امام راحل و حقوق اساسی جمهوری اسلامی بیان شد، به طور خلاصه می‌توان به گزاره‌های زیر به عنوان نتیجه اشاره نمود:



۱. مفهوم حریم خصوصی بسیار معقد بوده و ظاهراً در علم حقوق برای آن تعریفی که جامع افراد و مانع اغیار باشد، وجود ندارد. بدین جهت حقوق دانان به شرح الاسم و بیان لغوی آن اکتفا کردند. حقیقت این است که مفهوم حریم خصوصی از عرف جامعه نشأت می گیرد نه اینکه واژه ای مأخوذ از شارع یا متشرعه باشد ضمناً از باب مسامحه می توان بین حریم خصوصی و عمومی تفصیل قائل شد ولی مقسم قرار دادن آن برای حریم عمومی صحیح نیست. اهل لغت درباره تبرج فی الجمله معنای خودنمایی و جلوه گری زن برای نامحرم را پذیرفتند.
۲. گرچه در فقه امامیه نسبت به حریم خصوصی تعریف صریحی ارائه نشده لکن با بیان های گوناگونی از آن دفاع شده است. ذات اقدس الهی در آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره نور، ۱۸۹ سوره بقره، ۱۲ و ۱۹ سوره حجرات و همچنین پیامبر اکرم و ائمه طاهرين در روایات زیادی به این موضوع پرداخته اند. در احادیث امامان معصوم ما وارد شده است که ناقض حریم افراد علاوه بر پذیرش کيفرش باید به درگاه اقدس الهی به جهت تعرض به حریم شخصی دیگران توبه کند. در آموزه های اسلامی علاقه ی زن به آرایش فطری معرفی شده است. ولی همان تعالیم و روایات زن را از خودنمایی و برای غیربعل خود منع کرده اند. بنابراین دستورات ایجابی و سلبی اسلام در باب تبرج همواره با اعتدال و درایت همراه بوده و حکمت تشویق و بازدارندگی دین در این زمینه به جهت صیانت از امنیت اخلاقی جامعه می باشد.
۳. نظر نهایی امام (رحمه الله): نظریه پردازان سیاسی و اجتماعی با شالوده فکری که بر پایه حوادث تاریخی و پندارهای غربی استوار است به مسئله ی حریم و حقوق بشر می پردازند لکن امام راحل صرفاً دانشمندی در علم سیاست یا حکیمی در علم جامعه شناختی نیست بلکه در منصب فقیه دینی و سیاست مداری اسلامی و جامعه نگری متألّه با تقیّد کامل به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله به موضوعات و مباحث می نگرد. امام خمینی از لحظه اول قیام درباره ی حقوق انسان ها و آزادی های فردی آنان اظهار نظر کردند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از موضع رهبری جامعه اسلامی با صدور فرمان های مختلف از جمله فرمان ۸ ماده ای تلاش در عملی کردن اندیشه و آرمان های اسلامی در جامعه داشتند. مفهوم آزادی و حقوق بشر در اندیشه و سیره امام خمینی در مصاحبه ها و سخنرانی های متعدد ایشان مورد اشاره قرار گرفته است. در

ضمن امام هر نوع جلوه گری برای نامحرم را مصداق تبرج و حرام می‌داند.

۴. دیدگاه قانون اساسی ایران: حُریت و حریم هر دو حق مسلم انسان است و حتی برخی از حقوق دانان معتقدند که اصول ۲۲ و ۲۳ و ۲۵ قانون اساسی ایران به صورت غیرمستقیم به این حق اشاره دارند؛ لکن این حق مطلق نبوده و به حکم عقل و نقل قابل نقض و محصور کردن است؛ لذا بر اساس تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی می‌توان استفاده کنندگان از پوشش غیراسلامی در معابر و اماکن عمومی را تأدیب و عقوبت کرد و دادرس در مواردی که فاقد نص صریح در قوانین کیفری باشد، می‌تواند به اطلاقات قانونی یا اصل ۱۶۷ قانون اساسی استناد و تمسک کند باید اضافه شود که تبرج نامشروع تجاوز به سلامت روانی و امنیت اخلاقی جامعه است؛ این مسئله در باب حریم خصوصی و تبرج وجه تمایز منطق حقوقی اسلام از دیگر رژیم های حقوقی در شرق و غرب است.

در پایان اشاره می‌شود که تردیدی نیست که رژیم حقوقی جمهوری اسلامی ایران بالقوه توان و امکان کافی برای معالجه و مقابله با پدیده ناهنجار تبرج بیمارگونه در جامعه را دارد؛ ولی فقدان خط مشی دائم و اراده مصمم در بهره‌مندی از نیروی فرهنگی و عملیاتی منجر به راندمان نامقبول و گاهی سبب فشل نیروی اجرایی شده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (بی تا)، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
۳. ابن فارس، ابوالحسین احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
۵. اسماعیل بن عباد، صاحب، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتب.
۶. اشتهازی، علی پناه، (۱۴۱۷ق)، مدارک العروه، تهران: دارالاسوه.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بیروت: دارالفکر.
۸. بروجردی، حسین، (۱۴۲۶ق)، تبیان الصلاة، تقریر شیخ علی صافی گلپایگانی، قم: گنج عرفان.
۹. بهجت، محمد تقی، (۱۴۲۸ق)، استفتاءات، قم: دفتر مؤلفق.
۱۰. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، الكشف والبیان عن تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربیق.
۱۱. جصاص، احمد بن علی، (۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، تحقیق محمد صادق قمحاوی، بیروت: دار احیاء التراث العربیق.
۱۲. جوهری فارابی، ابونصر اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق احمد عبد الغفور، بیروت: دارالعلمق.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۴. حلبی، ابوالصلاح تقی الدین بن نجم الدین، (۱۴۰۰ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: مکتبه امیرالمومنین (ع).
۱۵. حلی، ابومنصور حسن بن یوسف المطهر، (بی تا)، تذکره الفقها، قم: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریة.
۱۶. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۹۹)، عقاید استدلالی، قم: «هاجر» وابسته به مرکز مدیریت

حوزه‌های خواهران.

۱۷. سید قطب، قطب ابن ابراهیم، (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.

۱۸. صادق تهرانی، محمد، (۱۴۱۹ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ

اسلامی.

۱۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۳۰ق)، العروه الوثقی، قم: موسسه السبطين

العالمیه.

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه

الاعلمی للمطبوعات.

۲۱. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.

۲۲. عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۹ق)، تعلیقه استدلالیه علی العروه الوثقی، قم: دفتر

انتشارات اسلامی.

۲۳. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۰۸ق)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، قم:

مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۴. فلاح، محمدرضا، (۱۳۹۳)، حکم آرایش زنان در فقه شیعه، پیام اجتهاد، زمستان

شماره ۲.

۲۵. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۴)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.

۲۶. کلینی، محمد ابن یعقوب، (۱۳۶۳)، الکافی، بی جا، بی نا.

۲۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۱۰ق)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الطبع و النشر.

۲۸. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶)، مسئله حجاب، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۳۰. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۵)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

۳۱. معین الاسلام، مریم؛ طیبی، ناهید، (۱۳۸۰)، روان شناسی زن در نهج البلاغه، قم: عطر

سعادت..



۳۲. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، احکام النساء، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۳۳. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۹۵)، استفتاءات، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۴. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۵. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۹۲)، تحریرالوسیله، تهران: مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۶. نجفی، محمد حسن، (۱۴۲۱ق)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی.
۳۷. هاشمی، حسین، (۱۳۸۶)، نقدی بر ماده ۶۳۸ ق.م.ا.در جرم انگاری بدحجابی، کتاب زنان، سال ۹، ش ۳۷.

